

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: تفسیر سوره بقره

تاریخ: ۵ اسفند ۱۳۹۶

موضوع جزئی: آیه ۲۱_ اصول سه‌گانه بخش اول آیه

مصادف با: ۷ جمادی الثانی ۱۴۳۹

جلسه: ۳۷

﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

خلاصه جلسه گذشته

بحث در آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» بود، در جلسه قبل مطالبی را مقدمتاً درباره خطابات قرآنی که با مثل «یا ایها» آغاز می‌شود گفتیم، اشاره‌ای به انواع این خطابات و اقسام آن و نیز فوائد مخاطب قرار دادن انسان نیز داشتیم.

شمول خطاب «يَا أَيُّهَا النَّاسُ»

اما یک نکته‌ای که باقی مانده و در ادامه مطالب گذشته، لازم است مورد رسیدگی قرار بگیرد این است که بعضی گفته‌اند که در قرآن هر جا «یا ایها الذین آمنوا» آمده است این آیه در مدینه نازل شده و هر جا خطاب بصورت «یا ایها الناس» است، این آیه در مکه نازل شده است، این را شیخ طوسی از برخی نقل کرده است، لکن در ادامه می‌فرماید، این مرهون تتبع تام است که ببینیم آیا واقعا همه آیاتی که با «یا ایها الذین آمنوا» شروع شده در مدینه نازل شده و آنهایی که با «یا ایها الناس» آغاز شده است در مکه نازل شده است؟ باید ببینیم آیا همه آیاتی که متضمن این دو نوع خطاب است از همین قاعده پیروی می‌کنند یا خیر؟ تتبع خلاف این را گواهی می‌کند، مثلاً همین آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ» طبق ادعای برخی در مدینه نازل شده است، بعلاوه قرطبی در الجامع لاحکام القرآن، بعد از این نقل موارد نقضی را از قرآن ذکر می‌کند و می‌گوید، این ادعا با سوره بقره و سوره نساء رد می‌شود، چون این دو سوره مدنی هستند، در حالی که خطاب «یا ایها الناس» در این سوره‌ها مشاهده می‌شود.^۱

البته یک وقت ما می‌خواهیم سوره را مورد ارزیابی قرار دهیم، یعنی یک سوره را بگوییم مکی است و یک سوره را بگوییم مدنی است، این منافات ندارد که مثلاً سوره بقره به عنوان سوره مدنی شناخته شود اما آیاتی که در مکه نازل شده‌اند در ضمن این سوره هم باشد، چون مدنی و مکی بودن سوره با مدنی و مکی بودن آیه ملازم نیست.

به هر حال، از آنجا که این آیه علی الظاهر مدنی است ما نمی‌توانیم بپذیریم که آیاتی که مصدر به «یا ایها الناس» است، در مکه نازل شده‌اند، این تابع ملاکات دیگری است، به نظر می‌رسد که محتوای پیام و محتوای خطاب در تعیین نوع و قسم خطاب مؤثر است، در جایی خداوند متعال لازم می‌بیند همه مردم را خطاب کنند، این ممکن است در مدینه اتفاق افتاده باشد یا در مکه، و درجایی لازم بوده است که خصوص مؤمنین را مورد خطاب قرار دهند، اینها تابع آن محتوا و

^۱ . الجامع لاحکام القرآن، ج ۱، ص ۲۱۶.

نوع پیام است. مثلاً در همین آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» بنا بر اذعان مفسرین اختصاص به مشرکین ندارد، یعنی اینکه برخی مثل زمخشری ادعا کرده‌اند که «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا» خطاب به مشرکین مکه است،^۱ این حرف درستی نیست، معنای «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا»، در این آیه دعوت به عبادت و مخاطب قرار دادن همه مردم به سوی عبادت است، یعنی اصناف سه‌گانه‌ای که قبل از این ذکر شده، (کافران، منافقان و مؤمنان و متقیان)، همه مخاطب «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا» هستند و همه را دعوت به عبادت کرده است، منتهی دعوت کفار به عبادت یک معنا دارد، دعوت منافقان به عبادت یک معنا دارد، دعوت متقین به عبادت یک معنا دارد، پس فی الجمله محذوری در این نیست که خداوند متعال همه مردم را دعوت به عبادت کند، اگر کافران دعوت شوند به سوی عبادت، معلوم است که در اینجا منظور اصل ایجاد عبادت است، یعنی اینکه کافران رو به عبادت بیاورند، اگر منافقان دعوت به عبادت می‌شوند، اینجا منظور این نیست که آنها عبادت کنند، چون منافقان به همراه مؤمنین و مسلمین به حسب ظاهر اعمال عبادی را انجام می‌دهند، پس نوع دعوت اینها با کافران فرق می‌کند، آنچه که در مورد منافقان معنا پیدا می‌کند اخلاص در عبادت است، یعنی آنها این تظاهر و ریا و دورویی در عبادت خود را کنار بگذارند و عبادت حقیقی داشته باشند، نه برای دیده شدن، عبادت و بندگی واقعی داشته باشند، نسبت به متقین و مؤمنین هم اگر دعوت به عبادت صورت می‌گیرد، در واقع این دعوت به خلوص بیشتر و استمرار عبادت است، مؤمنین عبادت می‌کنند، پس اگر خطاب می‌شود «اعبدوا» یعنی استمروا عبادتکم، عبادت خود را مستمر کنید، یا اخلصوا فی عبادتکم، در عبادت خود اخلاص داشته باشید.

لذا خطاب «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا»، خطابی است که اختصاص به مشرکین مکه ندارد، بلکه شامل همه مردم می‌شود، و اصناف سه‌گانه که در آیات قبلی مورد بحث بوده‌اند در اینجا منظور نظر هستند، ولی هرکدام به تناسب موقعیت و کاری که در مورد آنها مورد توقع و انتظار است.

اصول سه‌گانه در بخش اول آیه

در این آیه بعد از آنکه به صورت عیب مطالبی را درباره سه گروه از مردم بیان کرد، به خطاب روی می‌آورد، یعنی التفات از غیب به خطاب می‌شود. تا به حال به توصیف منافقان و کافران و مؤمنان پرداخت، ضمیری که متوجه اینها بود ضمیر غایب بود، اما در اینجا به خطاب روی می‌آورد و از غیب ملتفت به خطاب می‌شود، می‌فرماید، «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا»، عبادت کنید پروردگار و رب خود را.

چون مسئله، مسئله مهمی است و همانطور که در گذشته هم اشاره کردم، در واقع این آیه می‌گوید: این مسیری است که انسانها باید طی کنند تا به قله تقوا دست پیدا کنند، لذا چند اصل از بخش اول این آیه استفاده می‌شود، یعنی در این مسیر برای رسیدن به تقوا به چند نکته اشاره می‌شود:

اصل اول: لزوم عبادت است، چون دارد امر می‌کند «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا»

^۱ . کشف، ج ۱، ص ۸۹.

اصل دوم: اینکه معبود شما، ربّ شما می‌باشد و ربّ و پروردگار خود را عبادت کنید «رَبُّكُمْ».

اصل سوم: اینکه معین می‌کند که ربّ شما همان خالق شما می‌باشد، «الَّذِي خَلَقَكُمْ»، در همین یک جمله سه اصل بیان شده است.

اصل اول: لزوم عبادت

اما اصل اول که لزوم عبادت است، یک دلیل و برهانی بر آن اقامه شده است، چرا باید عبادت کنیم و چرا امر به عبادت شده است؟ امر ظهور در لزوم و وجوب دارد، این از تعلیق حکم اعدوا بر وصف ربّکم، بدست می‌آید، و تعلیق حکم بر وصف مشعر به علیت است، اگر حکم روی ذات برود معنای آن فرق می‌کند با این که حکم روی وصف برود، مثلاً به ما می‌گویند: لا تأکل الحامض، چیز ترش نخورید، حامض یک وصفی است که حکم نهی از اکل متوجه آن شده است، در اینجا تعلیق حکم بر وصف حموضت اشعار دارد به علیت حموضت در این حکم، یعنی اینکه بدلیل ترشی نباید این را بخوریم، یا وقتی می‌گویند اکرم العالم، در اینجا حکم روی وصف علم رفته است و این مشعر به علیت وصف عالم بودن برای وجوب اکرام است

بر این اساس علت و وجه پرستش و عبادت نسبت به معبود این است که او ربّ ما می‌باشد، چون ربّ است باید عبادت شود، یعنی چون اوست که ما را می‌پروراند، ربّ به معنای پروراننده، یا همان پروردگار و کسی که دیگری را پرورش میدهد و اداره می‌کند.

اصل دوم: ربوبیت معبود

علت اینکه ما باید خدا را باید عبادت کنیم این است که او رب ما می‌باشد یعنی ما و همه موجودات را پرورش می‌دهد. حال چون خطاب به انسان است، می‌شود «ربکم»، انسانها را خدا می‌پروراند، در عالم تکوین خداوند همه انسانها را با توجه به اختلافاتی که از حیث استعداد و نیاز و مقدرات دارند، اداره می‌کنند، نیازهای تکوینی آنها را بر طرف می‌سازد و در این جهت فرقی بین انسانها نیست، یعنی این ربوبیت، شامل کافر و منافق و مؤمن و متقی هم می‌شود، در اینجا کاری به هدایت تشریحی ندارد، بلکه این ربوبیت شامل کفار هم می‌باشد، لذا اگر کفار هم مخاطب قرار می‌گیرند و لزوم عبادت به آنها گوشزد می‌شود برای این است که آنها هم مربوب خدا هستند. منافقین و متقین هم کذالک، لذا حیث ربوبیت موجب می‌شود که امر به عبادت کند، پس توحید ربوبی از این آیه هم قابل استفاده است، یعنی رب ما خدا می‌باشد و تنها اوست و کسی دیگر ربّ نیست، چون خدا رب است، و تنها رب، بنابر این او معبود است و تنها معبود، نتیجه توحید ربوبی، توحید عبادی می‌شود.

اصل سوم: خالقیت معبود

سپس با وصف الذی خلقکم ادامه می‌دهد که ربّ شما همان کسی است که خالق شماست، ربّ غیر از خالق است، بین معنای خالقیت و ربوبیت، تفاوت است، اما در عین حال تلازم بین آنها وجود دارد، عین هم نیستند، اما ملازم با هم هستند.

این آیه در واقع در مقام رد کسانی است که معتقد هستند ربوبیت این عالم دست الله نیست، الله خالق عالم است، اما رب عالم بتها و امثال اینها هستند، عقیده و تثبیت همین بود، «و ما هم الا شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ»، آنها به بتها اشاره می‌کنند و می‌گویند آنها فقط شفیعان، ما نزد خدا هستند، الله را به عنوان خالق قبول دارند اما از حیث ربوبیت مشرک بودند، یا آیه «هُؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ»^۱، یا آیه «مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى»^۲، همین معنا از آنها استفاده می‌شود، آنها می‌گویند ما این بتها را نمیپرستیم مگر اینکه ما را به خدای واحد نزدیک کنند.

و تثبیت، کسانی بودند که از جهت ربوبیت، مشرک بودند نه از جهت خالقیت، آنها معتقد بودند خالق این عالم خدا است، خدا این عالم را خلق کرده است اما پرورش و اداره آن را به دست این بتها سپرده است، این آیه در مقام نفی آن توهم است که اینطور نیست که بتوان بین ربوبیت و خالقیت جدایی انداخت، هم خلق این عالم بوسیله خداوند بوده و هم پرورش این عالم بوسیله الله است.

تلازم بین ربوبیت و خالقیت

در مورد ملازمه و تلازم بین ربوبیت و خالقیت دو بیان می‌توانیم ذکر کنیم:

۱. اینکه بگوییم اینها با هم ملازم هستند چون حقیقت ربوبیت به خالقیت بر می‌گردد، خالقیت مرجع ربوبیت است و این با تحلیل دقیق معنای ربوبیت معلوم می‌شود، ربوبیت یعنی دادن کمال و اوصاف و نعمت و رزق مورد نیاز یک شیء، اینکه چیزی کامل شود رزق او به او داده شود، کمال پیدا کند، این یک امری است که خداوند متعال نسبت به همه موجودات این عالم دارد، اعطاء این کمالات و اعطاء این اوصاف جز با خالقیت امکان ندارد، اینکه چیزی به کمال برسد خود این یک خلق است، این از خلق جدا نیست، پس ربوبیت از خالقیت جدا نیست به این بیان که بازگشت ربوبیت به خالقیت است و این با توجه و دقت در معنای رب کاملاً آشکار می‌شود.

۲. یک بیان دیگر هم برای ملازمه بین خالقیت و ربوبیت قابل ذکر است و آن این که تنها کسی می‌تواند کمال یک شیء را به آن شیء اعطاء کند که آن شیء را با تمام زوایای وجودیش بشناسد، اگر کسی که آشنا به ابعاد وجودی و ظرفیت وجودی یک شیء نیست، بخواهد کمال به او اعطاء کند او نمی‌داند این چه ظرفیتی دارد و کمال او در چیست، تنها سازنده و خالق یک شیء است که می‌تواند آن شیء را به حد اعلائی ظرفیت خود برساند و قوه‌ها و استعدادهای آن را تبدیل به فعلیت کند. پس چاره‌ای نیست جز اینکه بگوییم ربوبیت همان خالقیت است و به همان بر می‌گردد، و به عبارت دیگر بین آنها تلازم وجود دارد، این دو بیانی است که در اینجا می‌توان برای این جهت ذکر کرد.

نتیجه

پس در این آیه می‌فرماید «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ» هم اصل لزوم عبادت در این بخش از آیه بیان شده است. به تقریری که عرض کردیم، هم معبود را معرفی کرده است که معبود شما رب شما می‌باشد، و هم این را

۱. سوره یونس، آیه ۱۸.

۲. سوره زمر، آیه ۳.

گوشزد کرده است که ربّ همان خالق است، «اعبدوا ربکم الذی خلقکم»، گمان نکنید ربّ شما غیر از «الذی خلقکم» است، چنانچه وثنیین اعتقاد دارند، ربّ شما همان کسی است که شما را خلق کرده است و وظیفه شما است که او را عبادت کنید، آنوقت در ادامه دارد «وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ» که باید بررسی کنیم.

سوال:

استاد: این ربوبیت، ربوبیت تکوینی است، ربطی به ربوبیت تشریحی و هدایت ندارد، معنا هم کردیم، ربوبیت یعنی اعطاء الکمال إلى الشیء، و این در حوزه و حیطة امور تکوینی است، ربی که در اینجا می‌گوییم کاری به جهت تشریح نداریم، اصلا می‌خواهد بگوید موجودی که همه این عالم و اشیاء و انسانها را می‌گرداند و آنها را به سوی کمال خود پیش می‌برد، این شایسته عبادت است، نه غیر از آن.

«والحمد لله ربّ العالمین»